

به هم پیوست دادن دولت و جامعه

در مورد یکی از ولایات شرقی افغانستان

نویسنده: مرجان کمال - مترجم: فریده نوری کمال



مرجان کمال در لباس کوچی در جلال آباد

احیای مجدد توانائی دولت افغانستان در ردیف اول اهداف جامعه بین المللی در هنگام امضای کنفرانس بن بین جامعه ملل و سیاسیون افغان قرار داشت و هدف آن دادن توانائی، قدرت و صلاحیت دوباره برای دولت نو پای افغانستان بود. هدف معکوس کردن منطقی ای که از دو دهه جنگ در افغانستان جا به جا گردیده است، که عبارت است از پارچه پارچه شدن احزاب سیاسی و خلق شدن قدرت های محلی خود مختار در مقابل حکومت مرکزی که خود نمایان گر یک عنصر مهم و برجسته می باشد.

از سال ۲۰۰۲ تلاش بر این بوده که حکومت مرکزی جهت پیشبرد احیای مجدد، این قدرت ها را به خود جذب نماید.

پیامد یا عاقبت این انتخاب بالای به هم پیوست نمودن دولت - جامعه چیست؟

از آغاز، ارتباط بین حکومت و جامعه افغان به دلیل ضعف اعضا یا رهبران دولت قطع گردید، به دلیلی که رهبران دولت نتوانستند یک تصویر درست یا مثبت از بدو تأسیس با جامعه یا مردم داشته باشند. دلیل ضعف آن از شروع گذاشتن تهداب این دولت مبنی بر این که از یک جانب از اشخاصی که دارای افکار متفاوت بودند، و از طرف دیگر تأمین بودجه آن توسط جامعه بین المللی می باشد.

آیا به کدام اندازه پروسه ای که توسط جامعه بین المللی جهت احیای دوباره افغانستان طرح ریزی گردیده است، تصویر گذشته را که عبارت از قطع ارتباط دولت با جامعه است تکرار خواهد کرد؟

بالاخره احیای دوباره دولت که از شروع تأسیس آن در سال ۲۰۰۲ با ستراتیژی دهشت افکنان که هدف شان آشوبگری و قطع رابطه یا دور نگهداشتن دولت از جامعه است به حقیقت خواهد پیوست؟

ما می توانیم در مشاهدات دراز مدت به این سوالات جواب بدهیم، لکن از تحلیل گفتاری که به این ارتباط از مردم دارم نمایانگر نارضایتی جامعه است.

نظر به مشاهداتی که از ولایت شرقی ننگرهار دارم، این ولایت نشان دهنده یک حالت امتیازی را دارا می باشد، به دلیل اینکه این ولایت وضع مشخص و مختص به خود را دارد.

اما از نظر دینامیک سیاسی با دیگر ولایات و مناطق افغانستان مشابه است. جذب شدن موفقانه قدرت های محلی توسط حکومت مرکزی، دولت را با مشکلات زیاد بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ مواجه ساخت. از سال ۲۰۰۷، گسترش خشونت مسلحانه، این ولایت را نیز به عین پدیده که اکثر ولایات و اکثریت نقاط وطن به آن مواجه است، مصاب گردانید.

خصوصیات ولایت ننگرهار

تحرك یا دینامیزم اقتصادی خیلی مهم و قابل ملاحظه و توان ادغام بلند قلمرو

ولایت ننگرهار از جمله ولایات افغانستان است، که در اهالی آن امتیازات بسیار مهم به مشاهده می رسد. زیرا اهالی این ولایت پوتانسیل بزرگ جهت فعالیت و بلند بردن سویه زندگی خود دارند. سرک کابل تورخم که یک راه تجارتي بسیار مهم کشور است، که کابل را به سرحد پاکستان وصل می کند. این ولایت شاهد بزرگ احیا و

انکشاف زیر بنا ها از سال ۲۰۰۲ به این طرف بوده، مخصوصاً راه های مواصلاتی،

که عبارت است از سرک کابل - تورخم

و یا سرک های ثانوی که از مرکز ولایت به

ولسوالی ها می رود. احیا و انکشاف زیر بنا

ها باعث انسجام دادن به دولت گردیده و

سبب عبور و مرور جهت تحرك نیروی

کار و کارگران می گردد، که عده زیاد،

قدرت تحرك



منظره ای از بتی کوت ننگرهار

جهت کار یابی، برای کار های ساختمانی و یا زراعت دارند. از برکت خلق شدن فابریکه ها در زمینه زیر بناها و صادرات و واردات، ولایت ننگرهار از سال ۲۰۰۲ انکشاف بسیار سریع داشت، که این انکشافات سبب خلق شدن کار و بلند بردن قابل ملاحظه ای درآمد اهالی گردید.

بالاخره جلال آباد، مرکز این ولایت از جمله شهرهایی است که در آن سویه تعلیم و تعلیم یافته خیلی بلند است، و در آن پوهنتون بسیار مشهور و فعال کشور موقعیت دارد.

تنها مشکلاتی که پیشرفت تعلیم به آن مواجه است، عبارت از کمبود پرسونل یا کدر آموزشی یا مدرس است لاکن به سویه کمتر نسبت به دیگر شهرها و نقاط وطن. در سکتور صحی نیز احیای دوباره آن کمتر به مشکلات مواجه بوده، اقل آن ولسوالی هائی که به مرکز ولایت همجوار هستند. فلذا اگر فعالیت اقتصادی فکتور مهم جهت خلق نمودن ثروت و جذب نمودن قوه کاری در بازار کار است، تعلیم و صحت دو سکتوری است، که سبب ارتباط حکومت و جامعه می گردد.

وضعیت قدرت های محلی

دو شبکه مهم قدرت محلی در ننگرهار که به ارتباط جهاد به وجود آمده اند، و این دو شبکه در دولت جذب شده اند، در این ولایت سلطه دارند:

اولی ارتباط می گیرد به حزب اسلامی شاخه یا جناح مولوی خالص، که به فامیل ارسلا تعلق می گیرد (دسته یا طایفه جبارخیل از قبیله احمدزی).

حاجی قدیر والی این ولایت بعد از سال ۱۹۹۲ نشان دهنده یک شخصیت برجسته و یک تصویر قابل ملاحظه و دقت می باشد.

بعد از قتل وی در سال ۲۰۰۲ دیگر اعضای فامیل مخصوصاً برادرش، حاجی دین محمد به صفت والی، که اکنون والی کابل، و پسرش به حیث قوماندان پولیس سرحدات کار میکند. شبکه دوم قدرت خیلی مهم در این ولایت ارتباط میگیرد به شخص حضرت علی،



پشه ئی، زادگاهش دره نوره، قومندان پولیس بین سال های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴، و برنده انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۵ در این ولایت می باشد. جذب این دو شبکه قدرت محلی توسط دولت، سبب به وجود آمدن مشکلات در شبکه قدرت های محلی دیگر گردید، به این معنی که این دو قدرت محلی تنها برای خودشان کار می کنند نه برای احیای وطن. بین سال های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۵ در مورد اینکه سرخ رودی ها می خواهند تمام ادارات ولایت را به تصرف خود بیاورند، آوازه بود. هم چنین در بین پشتون ها نا رضایتی، از جاه به جاه کردن پشه ئی ها در داخل قوت های امنیتی، و یا به حیث ترجمان در نزد قوت های امریکائی توسط حضرت علی به وجود آمد، و این آوازه در بین مردم که این شبکه های

قوت های محلی همه ادارات احیای مجدد را در تصرف خود دارند و سبب آن را ضعف دولت می دانند. البته این درست است که ادارات نو ولایت سبب جذب قدرت های محلی که در زمان جنگ به وجود آمده اند گردیده است، لکن این جذب شدن قدرت های محلی در ادارات نو، از جانب اهالی به دیده یک تهدید در برابر دولت پنداشته می شود.



قلعه با شکوه قوماندان ارسلان و برادران

مشکلات تاریخی الحاق یا جذب سرزمین

با وجود دینامیزم و توان جذب اقتصادی و اجتماعی فوق العاده در این ولایت، برای دولت مهار کردن مشکلات و موانع خیلی دشوار می باشد. در حقیقت دولت نمی تواند، قدرت قانونی و مشروع خود را بالای قدرت های محلی تحمیل نماید.

مثال شینواری ها ترسیم کننده این مشکلات:

شینواری ها که در دامنه کوه "سپین غر" و قسمت های بالایی "سپین غر" اقامت گزین هستند و در شش ولسوالی جمع شده اند جدا شدن خود را به حیث یک ولایت نو، از ولایت ننگرها ادعا دارند، و این ادعا را توجیه می دهند به انسجام و یک پارچگی قبیلوی، و جدا شدن خود را به صفت یک ولایت نو حق مشروع قبيله یا گروپ خود می دانند.

بنیاد این ادعا، بالای موجودیت یک هویت قوی و تاریخی که قبل از جنگ تشکیل شده، و توسط شینواری ها و غیر شینواری ها، به نام لوی ولسوالی شینوار نامیده شده است.

این ادعا منشأ خود را از موجودیت تعداد زیاد برخوردارها و کشمکش ها بالای زمین از یک طرف بین خود شینواری ها، که دولت قادر به حل آن نیست، و از طرف دیگر یک تعداد پروبلم ها بین، قبيله شینواری به مقابل دولت نیز وجود دارد. باوجود ارتباطات مهم اقتصادی در بین این منطقه با باقی ولایت موجود است. طور مثال، باشندگان ولسوالی "دربابا" که در بلندی های کوه سپین غر موقعیت دارد و هم سرحد با پاکستان می باشد، و در آن مناطق زمین زراعتی به ندرت یافت می شود، می گویند که در بعضی فصل ها جهت کار نه تنها در "بتی کوت" در بین شینواری ها، بلکه در ولسوالی بهسود خارج از سرزمین شینواری، جهت کار می روند. این ارتباطات اقتصادی برای کنترل قدرت های محلی کفایت نمی کند.

مشکلات و سؤال در مورد خشونت های مسلحانه

در موقعیتی که دولت قرار دارد، قوای امنیتی و اردوی قوی و کافی در اختیار ندارد، قضاوت در باره این دولت از طرف اهالی چه خواهد بود؟

- خشونت مسلحانه معتدل یا به شدت پائین و دوامدار بعد از سال ۲۰۰۲، و زیاد تر به صورت انداختن راکت ها ادامه پیدا کرد، در مباحثات و گفت و گو که در این ولایت (ننگرهار) داشتم، در مورد اینکه در باره این خشونت ها چه فکر می کنند، نا گفته نباید گذاشت که این گفت و گو با اشخاصی که با سیاست کاری ندارند صورت گرفت. و از نقطه نظر این اشخاص، آنرا به رقابت بین شبکه های مختلف ارتباط می دهند. البته شدت انداخت راکت ها در زمان انتخابات ولسی جرگه، مخصوصاً در وقت شمارش آرا افزود گردید.

خشونت بین شخصیت های سیاسی رقیب در ولسوالی ها خیلی زیاد بوده و منجر با خشونت های مسلحانه جهت حل مسائل، چه بین رقبای سیاسی و چه اقتصادی، بالای زمین، و یا قاچاقبران مواد مخدر، بالاخره منجر به از بین رفتن رقیب می گردد.

این خشونت به صورت وخیم وقتی شدت پیدا می کند که در مقابل خشونت های آشوبگران عکس العمل یا عملیات ضد آشوبگری توسط اردوی امریکا و ناتو به راه انداخته می شود.

طور مثال در ماه مارچ ۲۰۰۷ یک انتحار کننده که می خواست کاروان موتر های امریکائی را در " مارکوه " در ولسوالی بتی کوت مربوط به منطقه شینواری، مورد حمله قرار دهد و به هدف رسید، مواجه به عکس العمل عساکر متذکره گردید که در اثر تیراندازی آنها به اشخاصی که حاضر در محل بودند، ۳۰ نفر کشته شد، که این عکس العمل به جواب شخص انتحاری مبالغه آمیز بوده و سبب تظاهرات در شهر جلال آباد گردید. تظاهر کنندگان خواستار جبران این اشتباه گردیده، و شعار های علیه مسئولین ولایت، رئیس جمهور و جامعه بین المللی سر دادند.

در ماه می سال بعدی یک خانم و یک طفل در قریه " غنی خیل " که در همسایگی ولسوالی قبلی قرار دارد و مرکز اداری یا ناحیه شینوار می باشد، در وقت محاصره خانه شان، که مشکوک و مظنون به جا دادن به عناصر آشوبگر بود تبادل فیر صورت گرفت، قوای خارجی به داخل خانه گردید. بعد از مدت کوتاه، انفجارات بمب، در غنی خیل - اچین - و دره نور به وقوع پیوست، که هدف، زیادتیر ادارات دولتی در نقاط مختلف ولایت بود.

ارزیابی در مورد ارتباطات دولت - جامعه در شرایط افزایش سریع خشونت، در ولسوالی های مربوط به منطقه

شینوار:

در یک تبادل نظر با دو نفر از کارکنان پروگرام همبستگی ملی، که توسط یک انجوی بین المللی استخدام شده بودند، چند روز بعد از واقعه، در مورد این حوادث، به من اجازه داد تا یک اندازه به آن روشنی انداخته شود.

در ابتدا فرمودند که اوضاع به اندازه ای وخیم است که برای آنها جهت توضیحات در مورد پروگرام که



باید خانه به خانه رفته و توضیحات لازم ارائه کنند خیلی دشوار است. بعد از آن یکی از آنها همراهی یک اندازه طنز و شوخی علاوه کرد، که وقتی موفق می شوند با خانم های قریه در تماس شوند و به آنها راجع به پروگرام همبستگی ملی صحبت گردد، خانم ها هراسان و وحشت زده می شوند و فکر می کنند که برای شان از آمدن پولیس ملی خبر می دهیم، و توضیح داد که در این مناطق و نظر به حالتی که در جریان است، نمایندگان دولت به چشم خوب دیده نمی شوند.

ارتباطات بین اهالی مناطق شینواری با مقامات دولتی خیلی ها مشکل است، مخصوصاً همراهی پولیس ملی، که منشأ آن اختلافات در مورد کشت کوکنار و تبدیلی آن به تریاک می باشد. هر سال در موقع جمع آوری حاصلات تبادل فیر بین شان صورت می گیرد. به این ترتیب عمومی شدن خشونت های مسلحانه بر علاوه مخالفین و آشوبگران مسلحانه در مقابل دولت، اوضاع متشنج ناشی از کشت کوکنار و تولید تریاک با زارعین آن و قاچاق نیز به آن علاوه می گردد.

بالاخره یکی از آن ها بعد از آن که از عملیات اخیر توسط قوای امریکائی قصه کرد، به صورت جدی و با تعجب پرسید: «کجا شدند مجاهدین؟»، و علاوه کرد «سابق، در وقت مجاهدین غیر ممکن بود که مردم متضرر شوند، در بین راه کمین می گرفتند، تانک ها را ویران می کردند و حتی هلیکوپتر ها را نیز می انداختند». خانم دومی همکارش جواب داد: «این قدر سوال احمقانه چرا می کنی؟ تو خوب می فهمی که حالا همه مجاهدین در دولت هستند، نمی توانند به تانک های خود حمله کنند و هلیکوپتر های خود را از بین ببرند».

این گفت و گو نشان دهنده یک احساس آسیب پذیری مردم که ضرورت دارند به حفاظت جان و مال شان، که از نتیجه عمومی شدن خشونت ها به میان آمده است.

احتیاج به حفاظت و رجوع دادن آن به دوره جهاد نشان دهنده عکس العمل ملت در مقابل خشونت و ظلم، و احتیاج داشتن شان، به حمایت توسط دولت می باشد.

متمایز بودن ولایت ننگرهار مربوط به خصوصیات گروپ های مختلف جامعه که باشندگان این ولایت است، به غنای تولیدات آن، موقعیت ستراتیژیکی آن، نظر به هم سرحد بودن با پاکستان و تاریخچه سیاسی آن می باشد که سبب بروز یک تعداد نخبگان مختص به خود گردیده است.

لاکن عناصر ساختاری در رابطه به دولت - جامعه، به صورت عمومی مشابهت به دیگر ولایات دارد، زیرا تهداب همه بالای یک تاریخچه مشترک گذاشته شده است.

این حالت نشان دهنده این است که:

به وجود آمدن خالیگاه قدرت توسط دولت، جذب قوماندان های جهادی، خلق نمودن افکاری که یگانه وسیله، جهاد و مجاهدین هستند که قادر به نجات مردم اند و به حیث نجات دهنده اهالی، خصوصاً زمانیکه اهالی در معرض خطر و خشونت قرار می گیرند.

پایان

یادداشت استقلال: (عنوان نبشته تحقیقی و تاریخی فوق، " بهم پیویست دادن دولت و جامعه"، اساسی ترین سوالیست که تا حال به آن برخورد ام و اگر فرصت پیدا شد و قلم یاری کرد، چیز چیزی در مورد خواهم نوشت و

خواهر گرانقدر وسخت عاشق افغانستان و مردم برباد داده شده ما، زنده یاد "مرجان کمال"، چه زیبا و گویا و رسا این مشکل اساسی را انگشت گذاشته و تجزیه و تحلیل نموده اند، که ای کاش کرزی ها، گوش کری نمی داشتند، تا امروز افغانستان به یک صلح شرافتمند می رسید.

بعد از مطالعه دقیق این مضمون جامع، تلاش کردم تا چند قطعه عکس دیگر هم از این قصر افسانوی به دست بیآورم که خوشبختانه موفق شدم و نمای یکی از برج های سر به فلک کشیده آن و نیز عکسی از داخل باغ وسیع و بهشتی که برداران "ارسلا" در ننگرهار از برکت جهاد برای خود تهیه کرده اند؛ در ذیل خدمت هموطنان تقدیم کنم. باید متذکر گردید که این قصر افسانوی تنها و تنها مشتمل نمونه خروار است، ورنه سرمایه های فرعونی آنان از محاسبه بیرون است.)



